

**حدیث روز:**  
امام صادق (ع)

گشادهدستی، زکات نیک بختی است و از خود گذشتگی، ایجاب کننده نام بزرگواری

**پلک احساس:**  
به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز به یاریک جهت حق گزار مانرسد

**اوقات شرعی:**

اذان ظهر: ۵: ۳۰	غروب آفتاب: ۲۲: ۲۰
اذان مغرب: ۴۳: ۲۰	نیمه شب شرعی: ۱۳: ۰۰
اذان صبح (فردا): ۰۱: ۴۰	طلوع خورشید (فردا): ۵: ۴۸

خودنویس

## دعوت به خیانت



علیرضا رافتی

روزنامه‌نگار

پنج‌ره دفترم، دود سیگارم را به دود شهر پیوند می‌زدم و خودم دل خودم را قرض می‌کردم. خودم را دلداری می‌دادم که مگر می‌شود کسی برود؟ مگر می‌شود کسی پول بدهد؟ نان از بازار لوطی‌گری در دبیآوری و بگذاری وسط سفره عیاشی دشمنمت؟ نه کسی پول نمی‌دهد... اما امروز که شنیدم دیشب جشن با پول هم‌کسوتی‌هام برگزار شده ته دلم خالی شد. از صبح انگار چند زن با لباس روستایی کف دلم تشمت و لگن پهن کرده‌اند و نشسته‌اند به رختشویی. رخت چرک نظامی انگلیسی چنگ می‌زنند.

از شما چه پنهان هنوز نتوانسته‌ام با این کت و شلوار و کراوات کنار بیایم. هنوز آن قدر مشامم از بوی خاك آب و جارو شده حجره پدیرم پُر است که بوی چرم صندلی دفترم را حس نمی‌کنم. هربار که فلان تقدیرنامه را برای کارآفرینی و برند برتر و چه و چه از دست فلان مسؤول کشور می‌گیرم دلم آن قدر روشن نمی‌شود که وقتی نانی در سفره کارگری می‌گذارم احساس رضایت می‌کنم. هنوز نتوانسته‌ام مرام بازاری‌ام را زیرخاک برند دفن کنم.

آن روز بعدازظهر منشی‌ام در زد و با همان لیخند مصنوعی همیشگی گفت که از سفارت انگلستان نامه داریم. کاغذ را چند بار خواندم. هر بار بار برداشت دیگری خواستم از زیر بار توهین و تحقیر نامه شانه خالی کنم اما نشد. نامه دعوت به جشن نود و سه سالگی ملکه. باقید این که باید پول جشن را خودتان بدهید. هزینه حضور هریک از صاحبان برند ایرانی ۲۵۰۰ پوند است؛ وقتی نامه را مچاله می‌کردم که به سطل آشغال بیندازم این فکر بریم داشته بود که اینهایی که می‌خواهند پول جشن را از جیب ایرانی‌ها بگيرند نه از مالیات مردم خودشان، همان‌هایی‌اند که چهار دهه پیش سر سفره جشن‌های ۲۵۰۰ ساله می‌نشستند. سفره‌ای که نانش از گلولی مردم کپر نشین روستاهای ایران بریده شده بود. یا قبیل تر، همان‌هایی‌اند که در جریان جنگ جهانی دوم، سربازان شان نان را از گندمی سق می‌زدند که به خاطرش مردم قحطی زده ایران جان می‌دادند. الان که ۴۰ سال است سفره بریز و پباش شان از نان مردم ایران جمع شده، نامه داده‌اند به تاجر و صنعتگر و بازاری ایرانی که اگر می‌خواهید به افتخار خوردن کیلک تولد ملکه برسید، پول بریز و پباش مان را بدهید. باور نمی‌کردم هم‌کسوتانم آب به آسیاب دشمن بریزند. همان‌طور که عباس میرزای قاجار باور نمی‌کرد. همان‌طور که مصدق باور نمی‌کرد. همان‌طور که میرزا کوچک جنگلی باور نمی‌کرد...

این خبر که جمعی از فعالان اقتصادی ایرانی پول جشن ملکه را داده‌اند یقه‌ام را گرفت چون دست‌کم ۴۰ سال بود به این دست اخبار عادت نداشتم. البته لابه‌لای اخباری که بالا و پایین می‌کردم خبرهای دیگری هم بود که بیشتر به‌شان عادت داریم. مثلا خبر این که وزیر خارجه انگلیس، همپیمان با آمریکا، ایران را در جریان نتفکشن‌های دریای عمان متهم کرده است. آن هم درست در شبی که جشن تولد ملکه‌شان با پول ایرانی‌ها در تهران برپا شده بود. در شبی که تاجر ایرانی در سفارت انگلیس شام می‌خورد و امیرکبیر با تیغ انگلیسی جان می‌داد. بازاری ایرانی با سفیر انگلیس نوشیدنی می‌ریخت و مردم ارومیه از قحطی انگلیسی می‌مردند. صنعتگر ایرانی به انگلیسی می‌خندید و دست مصدق با کودتای انگلیسی بسته می‌شد.

و من کنار پنجره دفترم دود سیگارم را به دود تهران گره می‌زدم و سر میرزا کوچک خان جنگلی با چاقوی انگلیسی بریده می‌شد.

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی 2008: ISO9001

# جامعه

■ شایه: ۳۵-۱۳۵۱۷۲۰۰-۳۶۳۷۲  
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: [www.jamejamdaily.ir](http://www.jamejamdaily.ir)  
■ پست الکترونیکی: [info@jamejamdaily.ir](mailto:info@jamejamdaily.ir)

شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۸ | ۱۱ شوال ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۶ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Saturday - 2019 June 15

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۳۹  
■ تلفن: ۰۲۱ - ۲۳۰۰۴۰۰۰ | دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲  
■ سازمان شهرستان‌ها: ۰۲۱ - ۴۵۸۹۷ | کد پستی: ۱۹۱۹۱۸۴۱۳۰  
■ امور مشترکین: ۰۲۱ - ۴۴۲۰۲۹۳۰ | سازمان آگهی‌ها: ۰۲۱ - ۴۳۰۰۴۳۲۰  
■ پیامک: ۰۳۰۰۱۱۲۴۰ | روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۲۴  
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهرــان و شهرســتان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

**کرمانشاه**  **مشهد**  **زاهدان**  **ارومیه**  **ایلام**  **اهواز**  **اصفهان**  **تهران** 

۳۰ / ۱۴

۳۵ / ۱۹

۳۵ / ۲۰

۳۰ / ۱۵

۳۶ / ۱۷

۴۹ / ۲۹

۳۷ / ۱۹

۳۶ / ۲۵

**پیش‌بینی آب و هوا یکشنبه**

گفت‌وگو با رشید کاکاوند، مجری تلویزیون و شاعر درباره روز جهانی گل و گیاه

# روزی به نام دلربایی «گل»

به نظرم این که روزها را به نام اتفاق یا مناسبتی، نسبت دهی، اتفاق خوبی است. یعنی روزها همین‌جوری بیهوده هدر نمی‌روند. بدون نام نمی‌مانند. روز که نام داشته باشد در یادها می‌ماند، هم خود روز هم آن اتفاق یا مناسبت. روز که نام داشته باشد، یادآوری آن می‌شود یک عادت و اتفاقات خوب و بد (البته بیشتر خوب) در یادها می‌مانند. مردم روی موضوع حساس می‌شوند و بیشتر به آن توجه می‌کنند، گسترشش می‌دهند و کم و زیاد‌هایش را وارسی می‌کنند و اگر احساس خوبی از آن پیدا کرده و مهارتی را در آنها افزایش دهد، آن رویداد را به سبک زندگی خود وارد می‌کنند. روزها که اسم داشته باشند، هویت پیدا می‌کنند و هویت می‌تواند، آدم‌ها را از روزمرگی و بیهودگی نجات دهد. اتفاقات کوچک‌ی را رقم بزنند، اتفاقات ریزی که اگر به مرور روی هم جمع شوند، نگرش آدم‌ها و حال آدم‌ها را تغییر می‌دهند، تغییراتی که بیشتر اوقات مثبت است.

مثلا همین چند روز قبل، روز جهانی عروسک بود با این شعار که برای گسترش شادی و مهریابی به یکدیگر عروسک هدیه بدهید! دپیروز روز جهانی اهدای خون بود، خون که یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین هاست برای ادامه حیات و چقدر آدم‌هایی که در بیمارستان‌ها بستری و نیازمند خونند و چقدر زیبا که مردمی در سراسر دنیا، وقت می‌گذارند و سالانه چند بار خون خود را به صورت رایگان اهدا می‌کنند تا به نیازمندان داده شود و چقدر خوب که روی این موضوع سال‌ها کار شده تا امروزه تقریبا به یک فرهنگ جهانی تبدیل شده.

و امروز روز جهانی گل است، این را به جرات می‌توان یکی از بهترین رویدادها و نامگذاری‌ها دانست. علاقه‌مندی به گل و هدیه دادن آن به یکدیگر انگار به صورت غریزی و فطری با انسان‌ها متولد می‌شود. انگار گل اولین چیزی است در دنیای بیرون، وقتی

طاهره آشیانی

روزنامه‌نگار

### اعجاز رنگ

رشید کاکاوند، شاعر، مجری تلویزیون و رادیو و استاد دانشگاه، می‌گوید: زیبایی گل و تنوع رنگ‌های آن باعث شده که آدمیزاد از همان اوایل پیدایش بشر به آن علاقه‌مند شود. طیف رنگی گل‌ها مسحورکننده است. یک گونه گل، حتی طیف زیادی از رنگ‌ها دارد. حتی یک گلبرگ، چند رنگ است. این همه رنگ در کنار چینش بی‌بدیل گلبرگ‌ها، همیشه نظر مردم را جلب کرده است. گل از اولین پدیده‌های طبیعی بود که به شعر راه پیدا کرد و شاعران و دیگر هنرمندان آن را به آثار خود آوردند به دلیل همین زیبایی بی‌ظنیر. فطرت آدمی طالب زیبایی است و زمانی که شعور و درک در بشر شروع به تکامل کرد و او یاد گرفت که برای فرزند خود نامی انتخاب کند، نام گل‌ها اولین، نام‌هایی بود که روی آدمیان گذاشته شد و نکته جالب اینجاست که بشر اول برای گل‌ها نام انتخاب کرده بود و بعد خودش را به نام آنها نامید. کاکاوند معتقد است گل شاعران دوره اول شعر ایران، بیشتر دیده می‌شود و در توصیف آن شاعرانی مانند رودکی، منوچهری دامغانی شعر زیاد دارند. در این دوره، شاعران بیشتر درباری بودند و در کنار پادشاهان در ناز و نعمت زندگی می‌کردند، به همین دلیل تمرکزشان روی زیبایی‌ها و توصیف آنها بود. در آن دوره هنوز عرفان و دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی به شعر فارسی وارد نشده بود. در دوره‌های

بعد، گل در اشعار بزرگانی مانند خیام، عطار، سعدی، حافظ، و مولانا و... به نماد تبدیل شد.

### گل عشق چه کم از گل نفرت دارد...

به باور کاکاوند، گل در فطرت و در ذات خود همیشه خوب و زیباست. اگر مردم گل‌های خاصی را برای بیان عشق، نفرت، عزا، عروسی و... انتخاب کرده‌اند، بیشتر قراردادی است بین خودشان. مثلا گل گلابول که باب شده برای مراسم عزا همان قدر زیبا و خوشرنگ است که مثل ژژ سرخ که نماد عشق شده یا گل کرم که برای عروسی‌ها در نظر گرفته شده است. در واقع گل‌ها آن قدر زیبا و متنوع و رنگارنگند که دست بشر را باز گذاشته‌اند که هر کدام از آنها را برای مناسبتی انتخاب کند.

این شاعر به تنوع گیاهی ایران اشاره می‌کند و این‌که گل‌های ایرانی آن قدر متنوع و زیادند که همیشه شاعران ایرانی را متأثر کرده‌اند. اتفاقی که مسلمانا برای شاعرانی که مثلا در کشورهای عرب زندگی می‌کنند، رخ نمی‌دهد. طبیعت پیرامون آنها بیشتر بیابان است و نمادی ندارد که به شعر آنها راه پیدا کند. کاکاوند در پاسخ به این سوال که به نظر می‌رسد هر چه شاعران بیشتر درگیر مسائل اجتماعی و سیاسی می‌شوند، نقش طبیعت و گل در شعر آنها

نیز برای قرار دادن لپ‌تاپ در درون آن جاسازی شده است. علاوه بر این جیب‌های کوچک و بزرگ دیگری در این کوله‌پشتی برای قرار دادن گذرنامه، گوشی هوشمند و غیره وجود دارد که با توجه به ضدسرقت بودن این کوله‌پشتی، دسترسی به محتوای آنها غیرممکن است. زیپ دسترسی به این جیب‌ها در پشت کوله‌پشتی قرار دارد و کاملا از دید افراد نهان است. مقاومت بودن این کوله‌پشتی و همچنین ضدآب بودن آن را به گزینیه‌ای مناسب برای سفرهای طولانی مبدل می‌کند. شستن این کوله‌پشتی در ماشین لباسشویی نیز ممکن است.

## تولید کوله پشتی ضد سرقت

یک طراح انگلیسی به تازگی یک کوله پشتی ضدسرقت به نام ریوت بگ طراحی کرده که مانع سرقت اقلام ذخیره شده در آن توسط سارقان می‌شود.

به گزارش فارس، جذابیت دیگر این کوله پشتی در آن است که در عرض چند ثانیه و با باز کردن چند زیپ می‌توان ظرفیت آن را سه برابر کرد.

این کوله‌پشتی ۵۵ سانتی متر ارتفاع و ده لیتر ظرفیت دارد و یک جیب ۱۵ و ۶ اینچی

### یک پای جنگ

جنگ، داستان ساده‌ای نیست که وقتی آخ‌رش نوشتی «پایان»، تمام بشود. هنوز که هنوز است شهدا از روی تابلوی اسم‌شان، بالای سر کوچه و خیابان‌ها پاسبانی می‌دهند. هنوز که هنوز است گوشه خانه‌ای کسی از کنار کیسول اکسیژن می‌پردازت مبل سنگرمی‌گیرد و نگران خمپاره‌ای است که وسط آن‌خانه فرود می‌آید. هنوز هم بعضی شهرهای مرزی، مین‌هایی را که از جنگ امانت گرفته‌اند، پس نداده‌اند. گناشته‌اند آنچه

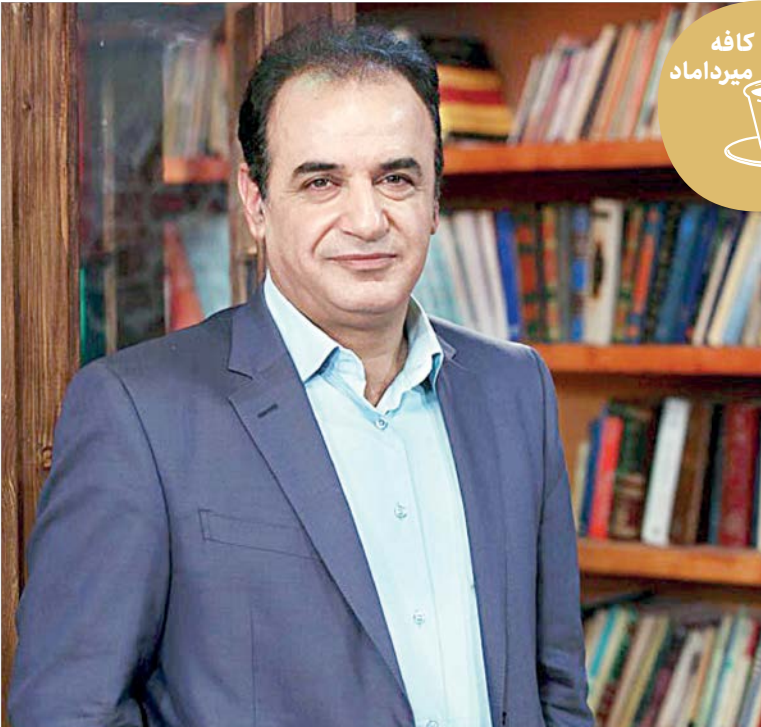
۳۰ سال پیش با دست کسی کاشته شده، روی پای بی‌گناهی جوانه بزنند. هنوز هم در شهرهای مرزی، نسلی که جنگ را ندیده سعی می‌کند به پای مصنوعی عادت کند. هنوز هم یک پای جنگ از زندگی مردم بیرون نمی‌رود.



خاکسپایان

کافه

میرداماد



کمرنگ‌تر می‌شود، می‌گوید: موافق این گفته نیستم. اگر نگاهی به اشعار سهراب سپهری بیندازید، به این نکته می‌رسید که او در همین دوره معاصر که صنعت مهمه وسعت زندگی را پُر کرده، چگونه به طبیعت و گل پناه می‌برد و آن را در شعرش نمایان می‌کند تا ما را دوباره متوجه طبیعت و پناه بردن به آن کند. سپهری، شاعری است که دوره سیاه و تلخ خود ۳۰ راتجربه کرده و شاید به همین دلیل است که می‌گوید: کار ما شاید این است / که میان گل نیلوفر و قرن / پی‌آواز حقیقت بدویم... که منظورش از قرن، همین دوره‌ای است

که مادر آن زندگی می‌کنیم، دوره‌ای که به ظاهر ماشین بر طبیعت غلبه کرده. کار شاعر و هنرمند این است، زمانی که در زندگی کمبودی شکل می‌گیرد و چاله‌ای به وجود می‌آید، آن را در تخیل پرورش دهد و بیافریند و آن را به دیگران نیز نشان دهد و حال خوب خودش را به آدمیان دیگر هم منتقل کند. به نظرم شعر امروز نیز همین راه را می‌رود، شاعران خوب و کار بلد در کنار همه تند و تیزی‌هایی که در شعر خود دارند از طبیعت و در کنار آن از گل نیز غافل نمی‌شوند، چون ما هر چقدر هم از طبیعت و فطرتی که در ان جاری است دور شویم، روزی دوباره به آن بخواهیم گشت.

## کاخ ترامپ

## مشتری ندارد



عمارت شش هکتاری واقع در گرینویچ در ایالت کنتیکت که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و همسر اولش ایوانا در آن زندگی می‌کردند، هم‌اکنون با ۲۹ درصد زیر قیمت به حراج گذاشته شده است.

به گزارش تابناک، این عمارت که شباهت زیادی به کاخ سفیدی که رئیس‌جمهور آمریکا هم‌اکنون در آن زندگی می‌کند، دارد نخستین بار در سال ۲۰۰۹ با قیمت ۵۰ میلیون دلار به فروش گذاشته شد. مالکان کنونی این عمارت به نام‌های «رابرت استرنبرگ» و «مشرش «سوزان»، این کاخ را در سال ۱۹۹۸ با قیمت ۱۵ میلیون دلار از ایوانا ترامپ خریداری کردند و از سال ۲۰۰۹ تاکنون در تلاش هستند این عمارت بزرگ را به فروش برسانند. این عمارت در سال ۲۰۰۹ با قیمت ۵۰ میلیون دلار به فروش گذاشته شد. قیمت آن در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به ۵۴ میلیون دلار افزایش یافت؛ اما با ورود ترامپ به رقابت‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶، قیمت این ملک به ۴۵ میلیون دلار کاهش یافت. پس از آن این عمارت به مدت یک سال از فهرست املاک فروشی بازار حذف شد و مجدداً اوایل سال ۲۰۱۸ به قیمت ۴۵ میلیون دلار به فروش گذاشته شد. مالکان این عمارت هنوز موفق به فروش آن نشده‌اند.

امروز در تاریخ:

تشکیل مجلس عالی در تهران و عزل

محمدعلی‌شاه از سلطنت (۱۲۸۸ ش)

تصرف قرقخانه رشت توسط انقلابیون

جنگل (۱۳۹۹ ش)

روز جهانی گل

**حکمت ۳۳:**  
بخشنده باش اما زیاده روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سختگیر مباش.



## حکایت سه دزد

سه مدیر ارشد بانکی در یکی از کشورهای همجوار تصمیم گرفتند با سوءاستفاده از عناوین دولتی اموال عمومی را به یغما ببرند و تا پایان عمر به خوبی و خوشی زندگی کنند. پس از برنامه‌ریزی دقیق، نخست در خارج از کشور ملکی خریدند، سپس خانواده خود را به خارج منتقل کردند و در فرصت مناسب هرسه همزمان مقدار زیادی از اموال عمومی را غارت کرده به طلا تبدیل نمودند و با کمک رابطی که پیدا کرده بودند به‌طور غیرقانونی از کشورشان خارج شدند.

در خارج از کشورشان در مخفیگاهی نشستند تا قدری استراحت کنند. شخص اول گفت: خب از آن خراب‌شده خلاص شدیم. شخص دوم گفت: واقعا جای زندگی نبود. شخص سوم گفت: آدم باید جایی باشد که دلش خوش است.

شخص اول گفت: شما گرسنه نیستید؟ شخص دوم گفت: من خیلی. شخص سوم گفت: من می‌روم یک چیزی پیداکنم. بیاورم بخوریم و رفت تا یک چیز پیدا کند و بیاورد. وقتی شخص سوم دور شد، شخص دوم به شخص اول گفت: فکر نمی‌کنی اگر این پول‌ها را دو قسمت کنیم به هر کدام مان سهم بیشتری می‌رسد؟

شخص اول گفت: طبق محاسبات ریاضی بلی، اما طبق محاسبات انسانی خیر. شخص دوم گفت: شما درد شریفی هستی. می‌خواستم شما را امتحان کنم. پس از مدتی شخص سوم با سه عدد ساندویچ همبرگر به مخفیگاه بازگشت. وقتی خواستند ساندویچ‌ها را بخورند، ناگهان شخص سوم گفت: دست نگه دارید. شخص اول و شخص دوم گفتند: چرا؟ گشاییم، بگذار بخوریم.

شخص سوم گفت: من با خود فکر کردم چرا همه پول‌ها را خودم برندارم. برای همین ساندویچ‌ها را آغشته به زهر کردم. بخورید، می‌میرید. شخص دوم گفت: پس چرا گفتی؟ شخص سوم گفت: اندیشه کردم و دیدم ما با هم توانستیم این مبلغ کلان را مورد سوءاستفاده قرار دادیم. حالا هم اگر باهم باشیم، بهتر می‌توانیم آن را مورد شست‌وشو قرار داده و در عرصه‌های مختلف سرمایه‌گذاری کنیم. به این ترتیب هرسه روی یکدیگر باوسپندند و عهد کردند همان‌طور که باهم بردند، باهم نیز بخورند.

## کشف سرگِگ

## ۴۰هزار ساله در سیبری

دانشمندان سر سالم یک گرگ متعلق به عصر یخبندان را که گفته شده به بیش از ۴۰هزار سال قبل تعلق دارد، در سیبری پیدا کردند.

به گزارش فرادید، مغز این جانور غول‌پیکر که گویی دندان‌هایش را به نمایش گذاشته است، به دلیل قرار گرفتن در خاک منجمد (پرمافراست) در منطقه یاکوتیا در سیبری، کاملاً سالم مانده است.

طول سر این گرگ ۱۶ اینچ است که دو برابر بزرگ‌تر از سر نواده او، گرگ خاکستری با حدود ۱۱ تا ۱۲ اینچ طول است.

سر گرگ را دو مرم‌حلی در تابستان سال ۲۰۱۸ در بالای مدار قطب‌شمال پیدا کردند، اما این کشف به‌تازگی رونمایی شده است. دلیل باقی ماندن سر حیوان هنوز مشخص نیست؛ اما به نظر نمی‌رسد که غنیمت شکار یک شکارچی باشد؛ زیرا نخستین انسان ۳۲۵۰۰ سال قبل در شمال روسیه پناهد.